تحليل روابط ایران و عراق بر اساس گفتگنمان ایران هراسی

چکیده

بررسی و تدقیق در روابط دوستانه ایران و عراق طی نیم قرن گذشته، نمای کلی مقاله پیش رو را تشکیل می‌دهد. به این منظور، پژوهش خاصی در چهارچوب «نظریه گفتگانهای ملی و فرهنگی» به بررسی و تجزیه و تحلیل گفتگانهای حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و عراق از آغاز ریاست جمهوری صدام حسین تاکنون پرداخته و چگونگی و جرایی همچنینکش شدن گفتگانهای ایران هراسی بر روی شیوه و ترتیب شیوه قرار داده است. نوع و روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنباطی برای پایش پذیرش استفاده شده و گردآوری اطلاعات عمدتاً بر باخور روش کتابخانه‌ای و اینترنشنال صورت گرفته است. در پایش به چگونگی همکاری گفتگانهای ایران هراسی، بافت‌های پژوهش نشان می‌دهد که عراق طی نیم قرن گذشته همواره محدود می‌باشد مربوط به ایران هراسی در منطقه بوده است. در هدایت او از عمر جمهوری اسلامی ایران، صدام پرچم‌دار گفتگانهای ایران هراسی در خاورمیانه بود و با سقوط وی رهبران ندروی عرب منطقه، مناسبات بدیهی و طبیعی شهره‌رندان و مسئولان ایرانی و عراقی را روابط مثبت بر سر نمود که به ظهور مجدد گفتگانهای ایران هراسی منجر شده است. چراکه همکاری شدن گفتگانهای ایران هراسی در روابط ایران – عراق نیز به تمایل‌گذاری شگرف انقلاب اسلامی بر منطقه و نیز مفتی چنین تجدیدنظر طلایی انقلابی ایران طی دهه‌های اول و دوم زمام‌گردید.

واژه‌های کلیدی: گفتگانهای ایران هراسی، نظریه گفتگانهای ملی و فرهنگی، عراق، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲، تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

1. khajehsarvy@yahoo.com
2. Bahramisomayeh83@yahoo.com
مقدمه
جمهوری اسلامی ایران یک شک بافت‌گذاری شده در کل خاورمیانه بُشمار می‌رود و به همین دلیل است که هر کجای خاورمیانه را که دست یک‌بازیم و به هر کجای منطقه‌های که بَنگریم، ردپای ایران را برونشی می‌توان دید. این به آن معنا است که نفوذ ایران در منطقه به رغم خصوصیات‌های بسیار رقیقی منطقه‌ای و مخالفان فرامنگ‌های را به افرادی است و در عین ناباوری غربی‌ها و اعراب، اغلب تغییرات در خاورمیانه به نفع ایران تمام می‌شود. بر همین اساس، سقوط صدام حسين در عراق توسط ایالات متحده و تغییر رژیم این کشور، فرصت بسیار مغتنمی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران گشود تا بهره‌گیری از ظرفیت‌های عراق جدید، قدرت منطقه‌ای خویش را بهبود ببخشد. بدينی است که این روابط به هیچ وجه خوشنوردی‌های ایران و قدرت‌های غربی نهدهد و بنابراین آنها از هر فرصتی برای ضربه زدن به روابط دو کشور ایران و عراق استفاده کردند و با برگشته ساختن گفتگوی ایران-هراسی، درصدد هر افکنی مبهم شهروندان عراقی با هدف دور ساختن این کشور از جمهوری اسلامی ایران هستند.

به طوری که ایران-هراسی به برنامه‌ای راهبردی در سیاست خارجی غرب و بهویژه ایالات متحده تبدیل شده است که طی آن تهران تهدیدی برای خاورمیانه و همچنین برای صلح و امنیت جهانی معرفی می‌شود. هدف این پروزه اساساً تضعیف، تخریب و به حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران است (عصرخانه و باپایی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). بنابراین، امروزه ایران-هراسی مهم‌ترین ابزار و حمایتی است که مخالفان جمهوری اسلامی ایران چه در منطقه و چه در جهان با توسیع به آن قصد منزولی کردند ایران اسلامی و ناتوان ساختن آن را دارند. در این پژوهش با تسامح، ایران-هراسی معادل شیعه‌های فرض شده است؛ زیرا ایران-هراسی و شیعه‌های فرضی که تعبیر فلسفی دو معنا مسافر است؛ بعنی با گفتگوی ایران-هراسی شیعه‌های فرضی به ذهن متبدی می‌شود و بر عکس از لحاظ عملی نیز جهت غالب گفتگوی ایران-هراسی، ماهیت سیاسی شیعه‌گری ایرانی است. علاوه بر این، مرجع شیعه‌های فرضی در طی تاریخ همواره کشور ایران بوده و ابزار ترس از شیعان سایر کشورها نیز عملیاً به خاطر بیوندهای واقعی یا خیالی آنها با ایران بوده است. دقیقاً به همین دلیل است که گفتگوی ایران-هراسی در منطقه، عمداً در رابطه با دو کشور عمده‌شیعه بعنی عراق و بحرین به گفتگوی هم‌زمان تبدیل شده است.
در واقع، وضعیت امروز عراق و اکثریت جمیعت شیعه این کشور باعث شده است تا سنی‌های تندرو به‌ویژه سلفی‌ها و اخلاق‌پردازان نادیده‌گیری شده‌ای نشاندهای و مناسبات و تشکله‌های گسترش‌دهنده تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مردمان ایران و عراق، از روند سلطه ایران شیعی بر عراق با هدف فتح منطقه سنخ بیرند که طرح موضوعاتی همچون هلال شیعی در همین راستا ارزویی می‌شود. جالب اینکه رژیم به عراق نیز تجارب به جمهوری اسلامی ایران را با موضوع ایران‌هایسی گره زده بود و از آن به عنوان جنگ میان اعراب و ایرانیان یاد می‌کرد.

در خاورمیانه گفتگوی ایران‌هایسی به‌طور اعم، از زمان شکل‌گیری حکومت صفویه و همزمان با قدرت‌پذیری ایران‌های امیرانی، بطور اکثریت، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه جدی رقابت منطقه‌ای و مخالفان فرامنطقه‌ای ایران قرار گرفت و در طی جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، به اوج خود رسید و طی سال‌های اخیر به‌دشت از سوی مخالفان و گروه‌های معارض و ترویجی مورد به‌پردازی تبلیغاتی قرار گرفته است. برخی مطالعات نیز در این زمینه صورت پذیرفته است که از جمله جدیدترین آنها می‌توان به مقاله نورمحمدی و کاظمی (۱۳۹۳) تحت عنوان «جایگاه فرهنگ در تکیه‌بندی ایران‌هایسی» در کشورهای حوزه خلیج فارس» اشاره کرد که بیان می‌دارد عرشه فرهنگ موجود پیاده‌ی ایران‌هایسی در کشورهای حوزه خلیج فارس شده است. هاگایی رام (۲۰۰۹)، کارشناس صنف‌پذیریستی، مسائل خاورمیانه، نیز در کتاب ایران‌هایسی: منطق یک عقده روحی اسراییلی که داشته‌گاه استنفورد آن را به چالا سواندی است، دو دلیل عمدی رشد گفتگوی ایران‌هایسی در غرب را دیده‌های استفاده از جمهوری اسلامی ایران در قالب فرهنگ لیبرال دموکراتی غربی و مخالفان صریح این کشور با رژیم اسراییل برهم شمارید. با وجود این، تاکنون پژوهش مستقل درباره موضوع ایران‌هایسی در روابط ایران و عراق مشاهده نشده است. ازاینرو، در این پژوهش شکاوهی‌های داشته به پیشینه و حال روابط ایران و عراق با تمرکز بر گفتگوی ایران‌هایسی هراسی، تا چگونگی غله بر آن و رفع محدودیت‌های روابط با عراق را دنبال کنیم.

در این راستا، پرسش محوری پژوهش این گونه مطرح شده است: گفتگوی ایران‌هایسی کی، چرا و چگونه به گفتگوی هم‌بودن در روابط ایران و عراق بدل شده است؟ با توجه به

1. Shiite Crescent
2. Haggai Ram
بررسی تحقیق، نظریه گفتگوی لاکلاو و موفه؛ به عنوان چهارچوب نظری مطالعه انگیزش شده و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش بر اساس آن صورت پذیرفت است. نوع و روش این پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی بوده و از روشهای شناسی استنباطی برای یافتن پاسخ پژوهش استفاده شده است. همچنین، با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای (کتاب، مجله، مقاله‌ها، گزارش‌ها و روزنامه‌های خبری)، و اینترنی (مقاله‌های اینترنتی، اخبار و اطلاعات آماری) با تکیه بر داده‌های تاریخی و قرارن و شواهد موجود صورت پذیرفت است.

1. چهارچوب نظری پژوهش: نظریه گفتگوی لاکلاو و موفه

نظریه گفتگوی لاکلاو بر آن است که معانی در درک ما از جهان تها در چهارچوب گفتگویی مختلف امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، گفتگویی نامنهای معانی‌های هستند که باورهای ما را نسبت به واقعیت‌های مختلفسیاسی و اجتماعی شکل می‌دهند. (بخشاینی اردستایی، 1388: 63). بر این اساس، جهان همواره شاهد ظهور و افول گفتگویی است. به نحوی که تضعیف یک گفتگوی هم‌منوش با مسلط باعث ایجاد بحران گفتگویی در جامعه شده که طی آن گفتگویی رقیب تلاش می‌کند تا به حیات بحران پردازند. به این ترتیب، رقابتی میان گفتگویی‌های متفاوت‌شده شکل می‌گیرد که این هریک از گفتگویی‌ها می‌کوشند تا به تقاضاهای متعدد پاسخ دهند. سرانجام در شرایط بحران، از میان گفتگویی‌های متعدد رقیب یک گفتگوی مسلط می‌شود.

گفتگویی که اساساً دارد می‌تواند به پاسخ‌نامه‌های نظام اجتماعی اقامت گند. البته پاسخ این گفتگوی به مسائل جامعه لزوماً منطقی و مستند نیست، بلکه به شکلی است که دیگران را مقاعد سازد که نوان جانشینی و حک مسائل را دارند. این گونه است که نظیمی جدید بر پایه گفتگویی جدید شکل می‌گیرد. این روند تدریجی است، اما با آن توجه داشت که سلطه یک گفتگوی به معنی

تنبیه کامل و پاسخ به تمام تقاضاها نیست (حقیقتی، 1385: 539).

نظریه‌های تحلیل گفتگوی طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد (ساخت گر، نقش گر، انتقادی، پسامدرن و غیره) که از میان آنها، نظریه گفتگوی لاکلاو و موفه کاربردی‌ترین نظریه‌ای این حوزه محسوب می‌شود. دلیل این امر در واقع تفسیر گفتگوی این حوزه فرهنگی و فلسفی به حوزه

1. E. Laclau
2. C. Mouffe
سیاست و جامعه در نظریه گفتگوی لاکلا و موفه است (حسینی زاده، 1382: 194). این دوران ادیشمند با استفاده از زبان شناسی سوسور و گفتگوی را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل بندي شده و بی‌پایه می‌داند. در این اساس، گفتگوی یک مغزه منظومه معنايی است که وازها و نشانه‌ها آن در کل هم و در یکندا از یکدیگر، مجموعه‌ای متعادل را می‌آفریدند. در این نظریه، مفهوم گفتگوی گسترش‌های استهلاکی (زبان‌های آید، 2002: 105). برای این، مفصل بندي در واقع، توقف معنايی است که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، به عنوان نیت تازه می‌پاندد (آريدو و فیلبیش، 1993: 56).

دال و مدلول؟ دلی به معناي اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهاي انطروح يا حقيقی است که در چهار جوله گفتگوی خاص بر معناي خاص دلالت دیگر می‌کند. معنا و مصداقی که یک دلال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. برای مثال، تک‌مطلب مطبوعات منتشر می‌کند و آزادی پیان مدلول آن است.

دل مدلول؟ هم‌مرکزی منظومه گفتگوی را دال مدلول تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، مفاهیمی که در درون یک گفتگوی سازمانده‌ی می‌شوند، گرد یک دال مرکزی ایجاد می‌شوند (عازمي‌گلستانی و قادی، 1391: 135).

دل شناور؟ دلی است که مدلول آن شناور (غیر ثابت) است. به عبارت دیگر، دال شناور مدلول‌های متعدد دارد و گفتگویی مختلف برای انساب مدلول مورد نظر خود به آن با هم رقابت می‌کند (کسراپی و شیرازی، 1390: 233).

1. Articulation
2. Signifier & Signified
3. Nodal point
4. Floating Signifier
1. Antagonism & otherness
2. Dislocation
از این منظره، گفتگوی ایران‌هراسی بیان کننده احساس مخفی را داشته باشد که تا به‌تدریج، جامعه اقتصاد نیاز به تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور به‌طور کلی به‌طور کامل تغییر می‌کند. این اصطلاح همچنین به بی‌اعتمادی، نفرت، ازدحام، حساسیت، تبعیض، نژادپرستی، کلیه‌ها و ازدحام بی‌پدیده شده در سراسر جهان اشاره دارد. گسترده‌ای ایران‌هراسی می‌تواند از نفرت و تبعیض و آزار نهادن شده‌شوند بیشتر. همچنین، ایران‌هراسی به‌طور کامل گفتگوی این شوید که بپیش‌بینی کننده در رسانه‌ها و حتی در خلیج فارس و آمریکا حضور داشته باشد. ایران‌هراسی به یک سیاست طلایی سیاسی است. به‌طور کلی، فرهنگ‌ها و آمریکا همواره تلاش داشته‌اند با گسترش موج ایران‌هراسی به فروش تسلاهات و حضور سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه به‌بزرگی. 

دال مركزي گفتگوی ایران‌هراسی در خاورمیانه، و مدلول آن، واقعی منطقه‌ای است. «صدور انقلاب» و «هلال شیعی» نیز دال‌هایی شناوری هستند که طرفداران گفتگوی ایران‌هراسی برای به‌هم‌آمیختن رساندند این گفتگو را روابط کشورها منطقه بایران ارائه انتساب مدلول مورد نظر خود به آنها تلاش می‌کنند. از منظر ایشان، صدور انقلاب به‌طور مفلور بروز دارد و «هلال شیعی» نیز با معنی «اتحاد شیعیان منطقه» به رهبری جمهوری اسلامی ایران برای تسليط در خاورمیانه است. در مقابل، گفتگوی همسایگان ایران در روابط ایران با همسایگانش، درصد متون کردند دال مركزي گفتگوی ایران‌هراسی بوده و همچنین تلاش دارد تا اجماع بر سر آن دسته از معانی شود که برای دال‌های شناور «صدور انقلاب» و «هلال شیعی» ذکر شد. در ادامه این مقاله، روابط دو کشور ایران و عراق از زمان استقلال این کشورها با امروز با توجه به نشانه‌شناسی دو گفتگوی ایران‌هراسی و همکاری جویانه مورد بررسی قرار گرفته است.
یافته‌های تحقیق

1. ف. ب. برونت
2. سازمان ملل متحد
علاوه بر این، نزدیکی رژیم شاهنشاهی به رژیم صهیونیستی و آثار نامطلوب آن بر ذهنیت
اعراب و سیاست‌گذاران رژیم بعیه به پاکسازی و اخراج ایرانی‌های ساکن در عراق و اتخاذ
سیاست ایرانی سنتی از سوی رژیم بعیه منجر شد. رویبادوی کشور در آن زمان در شرایطی
وارد بهران جدیدی شد که رژیم کودتاپای عراق ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اوروندروید
مطرح کرد و مقامات بعیه تصمیم گرفتند استفاده و مدارک کشته هایی را که وارد اوروندروید
می‌شدند بزارند. به‌دلیل این تصمیم در 26 فوریه ۱۳۴۸ (۱۴ آوریل ۱۹۷۹)، وزارت
امور خارجه عراق این حملات را جهت لیاقت خان عراق نامید و از ایران خواست پرچم‌های
خود را از روی آن کشته‌ها پاپسند. به‌دلیل این اظهارات و اعمال مقامات عراقی، دولت
ایران نیز در اردیبهشت ۱۳۴۸ (ماه ۱۹۷۹) عهدنامه ملی ۱۳۳۷ را املت و تقابل خود را به
انعقاد قراردادی منبت بر ختم تالوک اعلام کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۰: ۳۵۹-۳۶۰).

این رویاد، رویبادوی در کشور را تا آستانه وقوع برخورد نظامی به وحشت کشاند و حتی
احتمال درگیری نظامی به علت فوت یافته، اما به میانی گرفت هواری بومدنی، رئیس جمهوری
وقت الجزایر، ظل جریان احیال سران ویک در اسفند ۱۳۵۳ (مارس ۱۹۷۵) در الجزایر، دور
کشور به توافقنامه جهت پایان بخشیدن به اختلافات خود دست یافتند. بر اساس این توافق،
خط تالوک به عونان خط مرزی دو کشور شناخته شد و ایران به صورت تلویحی پذیرفته که از
حمایت کردهای بارزانی دست یافت کرده و مقداری از اراضی عراق را در تصرف خود داشت
به آن کشور بازگرداند (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۵۱). هر چند انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر,
ظرافاً باعث پایان اختلافات مرزی و رویبادوی نسبتاً بهتر شد، اما آرامش نسبی در رویباد
بین دو کشور با وقوع انقلاب اسلامی در ایران پایان یافت. زیرا عراق به موجب بیانیه الجزایر
و با پذیرش خط تالوک به عونان خط مرزی دو کشور، عملی حاکمیت ایران را بر اوروندروید
پذیرفته بود و به دنبال موقعیت مناسب می‌گشت تا ضربه نهایی خود را به ایران وارد سازد.
ازایین رو، پیروی انقلاب اسلامی که موجب تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه و نظام امینی

1. E. Karsh
2. I. Rautsi
3. J. M. Stowell
4. Houari Boumediene
دوقطبی حاکم بر جهان شده بود، علاوه بر اینکه ایران را از صف حامیان ایالات متحده و بلک غرب خارج ساخت، رهبران عراق را نزی به حمله نظامی به ایران ترغیب کرد. صدام که چشم به رهبری جهان عرب و بر کردن خلا قدرت در منطقه دوخته بود، از فرصت به دست آمده نهایت استفاده را برده و درصد دید جبران امتبازهایی از دست داده در قرارداد 1975 الجزایر برآمد (بهمن 1390: 24).

3- جنگ تحمیلی و ایران هرسی (از پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط صدام)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر تشکیل تجاوزات مزیت عراق عليه ایران، از اوایل سال 1359 جنگ تبیغاتی ریزی جنگی نیز بر ضد انقلاب ایران برندیش بانف. در این تهاجم تبیغاتی، زیاد بعث عراق از یک سو صریحتر از همیشه در خواستهای خود را علیه بیان می‌کرد و از سوی دیگر صدام حسین با دامن زدن به گفتگو ایران هرسی و شیعه‌های هرسی هرگونه نارضایتی و موقعیت‌های در عراق با دیگر کشورها عربی‌نشین را به جمهوری اسلامی ایران نسبت می‌داد و حملات شدید تبیغاتی علیه کشورها را به راه می‌انداخت. در کنار این اقدامات، حزب بعث عراق به کمک عوامل خود به یک رشته خراب کاری‌ها نظیر بمب‌گذاری در داخل ایران دست زد (والاینی 1376: 42). بنابراین، بیش از شروع رسیدن جنگ، جنگ عراق علیه ایران آغاز شده بود و در واقع عراق جنگی ماقبل جنگ هستساله را شروع کرده بود. برای شروع جنگ نیز صدام حسین هن تناهی چهکه تلاشی برای پنهان کردن توانایی مان جیرگی و ناسیونالیسم عربی نکرده، بلکه از این موضوع برای جلب نظر سایر اعراب منطقه نیز بهره برده و جنگ علیه ایران را تحت عنوان نبرد دوم قدسیه معرفی کرد.

(کاراش، راتسی و استول، 2002: 145).

در جمهوری اسلامی ایران، اما دولت وقت که روزهای آشفته پس از پیروزی انقلاب با سپری می‌کرد، در سیاست خارجی، طبق رهنمودهای امام خمینی (ره) به حفظ آرامش در منطقه و برقراری روابط همکاری جویانه با همسایگان مسلمان علاقه‌مند بود و از این رو هرچگونه تحرك عملی از سوی جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق که به دخالت در امور داخلی این کشور تعبیر شود، صورت نگرفت. با وجود این، حزب بعث عراق در چهارچوب گفتگو ایران هرسی به منظور روز در رقابت آثار با ایرانیان، همراه با
برخی کشورهای غربی اقامت به تخریب چهار انقلاب اسلامی ایران و ایرانیان کرد. بنابراین، عراق زمان صدام را یک توان کانون مکرر ایرانی‌هایی در منطقه و جهان نامید. در واقع، اگرچه ایرانیان سیاسی و شیعه‌هایی در میان برخی اعراب ریشه‌ای به دیرینگی تاریخ جعل حدیث دارد و ورود به آن نیازمند طرح مباحثی ضمن استا، اما بر پرانتزینگ راه‌های معاصر این مدل از ایرانی‌های ارسطوی صدام حسین مشهور بوده است. نش، بیش از هر نقطه‌ای در عراق و در زمان ریاست جمهوری صدام حسین مشهور است. این تفکرات که بیشتر از نگاه برتری قوم عرب نشانمی‌گرفته و در کار آمدن بحث بیان در صدام حسین و صدام حسین مدت‌ها بیش از آنکه اصلاح‌شان را به سمت ایران نشانه‌برد، مرجح‌ترین تفکراتی در کشورهای و همچنین میان سایر اعراب بوده است (خرمال، 1391).

شاید این مجموعه تفکراتی پان عرب در عراق، خیرالله طلخ، دایب و بر همسر اول صدام حسین بوده که از بیش از ظهور علّی حزب بعث عراق به تروری افکار ضد ایرانی و ضد شیعه مشغول بود و جدی‌ترین حکمتیار نیز در این زمینه، تدوین چا وی در جوید صفحه در سال 1940 (1319) بود که چنین نوشته‌های نزادپرست را در صدرش بود: «سی سیزکه خدا نباید از آفریقای ایرانیان، بهوپانان و مگس»، ثالث‌اند که علی‌الله ان لایخلجهم: الفرس، اليهود و الذباب» و در ذیلش نیز مالی از هرکی به ایرانی و فارسی‌زبان بود. باید به قدرت رشبید صدام حسین و حزب بعث در عراق، این نگاه‌ها شدید گرفت و خانم‌به خویش خدمت که امام خمینی (ره) به صدام روحی خوش‌نشان نداد و عملاً این گفتنما را توهین کرد که قاعدتاً در منطقه اسلامی، درست ماست، به این خشکی نبوده و لزوماً هرکس ضد اسلامی باشد، درست یا توهین از ایران نیست. با اتلاف جنگ ایران و عراق، وزارت امور خارجه و پرورش عراق، این جزوی را به عنوان یکی از مواد اموزشی دوره تحصیلی دستیار عراقی فرآیند داد و صدام نیز خونی می‌بیش پلاکی با درج عنوان همین جزوی نزادپرستان نسب کرد (خرمال، 1391). بیش از شروع جنگ نیز حزب بعث با گنجاندن مطالعه برای سیری نماید و دانش‌گاه‌های این کشور، چنین و امضای می‌کرد که ایران تهدید برای کل اعراب بوده و بدین طریق دهندن‌ها را به‌هیل‌حلمه به ایران براتگیخت و آماده کرده (کوچی‌ان، 2000: 19).

1. C. Coughlin
اما اوج حرکت صدام برای ضد ایرانی سازی جنگ عراق، اقدام دیگری بود که بخلاف اهداف فوکلکی درک همجنان پایگاه است و یادآور هرمونی گفتمان ایرانی‌هایی در عراق زمان صدام حسن است. صدام برای آن‌ها نمادی برای ضدیت و نسبت دادن این ضدیت به اعراب با ملت ایران و به‌ویژه فارسی‌زبان‌ها ایجاد کرد. در سال ۱۳۸۷ (۱۹۸۸) مصادف با سال‌های یافته جنگ تحمیلی که مشخص شده بود تصادف اثر عراق در جنگ با ایران بخواهد و شروع به درگیری با کشورهای نفتی ایران در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ دستور ساخت نمادی برای "نمايش پیروزی بر ایران" تحت عنوان "شمشیرهای قادسی" یا "قوس النصر" (کمان پیروزی) را با استفاده از یکلاحخداح پنج هزار سرباز شهید ایرانی در منطقه سبز بغداد صادر کرد؛ منطقه‌ای از بغداد که موسوم به منطقه الحضره است و محل پیروزی از ساخت‌سازی‌های حساس است.

در پی این دستور، دو معمار انگلیسی و آلمانی با گرنترداری از دستور صدام، طرح این طاق نصرت را که دو دست از خاک بیرون آمده دو شمشیر عربی در است، با حجم عظیمی از یکلاحخداحی سوراخ شده ایرانی در پای این دو دست که شمشیرهایانش در نقطه اوج به هم متصل می‌شد، طراحی و پیاده کردن تا جنگ عراق با ایران را تکان دهنده گردیدند. قادسیه سازند که طلایی، لسر عصر بر ساسانیان فاقه آمد و ایران توسط لشکر اسلام فتح شد. همچنان نماد دیگری تحت عنوان "اشمال صدام" ساخته شد که نماد یک گند دارای معمایی شیعی و ایرانی است که توسط شمشیر صدام از آسمان به زمین کشیده شده و به دو نیم شده است (هنری، ۱۳۹۱). پس از سقوط صدام، گزارش شد که دولت جدید عراق کمیته‌ای را برای حذف نمادهای ضد ایرانی ساخته شده در زمان حکومت بعث در این کشور سازماندهی کرده است (دهقان پیش‌های، ۲۰۰۷). با وجود این کمکان طاق نصرت دوبار دیگر پاپرخواست، اگرچه کلام‌خودها سربازان ایرانی از این مکان جابجا شده است.

۳- ایران‌هراوی در عراق جدید (از سقوط صدام تا به امروز)

سرنوشت صدام زمینه حضور شیعیان و خروج از انزوای آنها را در این کشور فراهم کرد.

1. B. Dehghanpisheh
از همین رو، شیعیان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عراق به‌مشتاق فعالیت می‌کنند. تحقیقات بعد از اشغال و تمرکز مقاومت مسلحانه در مناطق سنی شیعه و در مقابل، آرامش قابل توجهی در منطقه شیعه‌نشین، گویای تغییرات شدید اعراب سنی درباره از دست دادن قدرت و از دیگر سو رضایت شیعیان از تحول تاریخی مذکور بود. ایالات متحده که با شعار استقرار دموکراسی این اشغال عراق مبادرنی و روزیه به بوده، نمی‌توانست اکثریت شیعه این کشور را نادیده بگیرد و از ورود آنها به عرصه سیاسی و حکومت جلوگیری کند. در نوامبر ۲۰۰۳ روزنامه واشنگان پست از متقاعدی شدن واشنگان به تشکیل دولتی با اکثریت شیعه در عراق خبر داده و اعلام کرد به دلته بوده به این نتیجه رسیده است که حکومت‌های اسلامی در عراق امروز اجتناب‌ناپذیر است و این موضوع زمینه‌ای مقایسه آمریکا در تضاد نیست (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲؛ تل‌اشفین، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در مجموع نیز فروپاشی رژیم صدام در عراق، شرایط آرام‌تر و سیاسی روسیه را برای روابط همکاری جویانه ایران و عراق فراهم آورد و دو کشور با فرصتی کردن ایدئولوژی ایران سنگینان زمان صدام و براساس مشترک‌تهای فرهنگی و دینی تشکیل دهنده جغرافیای انسانی و نیز روابط تاریخی حاکمان کنونی عراق با دو فرهنگ جمهوری اسلامی ایران توانستند روابط حسن‌هایی بین خود ایجاد کنند. در دوران انتقالی (از زمان تشکیل شوراه حکومتی در تاریخ ۱۳۸۲)، سفرهای متعدد دی از سوی مقامات دو کشور از جمله سفر رؤسای دوره‌های شورای حکومتی، رئیس جمهوری عراق، وزرا و ابراهیم جعفری، نخست وزیر دو دنیا انتقالی عراق صورت پذیرفت. همچنین، تشکیل نهادهای مدنی در عراق و پیشرفت دیگر گام گام رو به روی سیاسی، سیستم‌های استحکام‌بخشی برای روابط ایران و عراق بنا نهاد. زیرا در دو طرف، یک ایران با ثبات، مردمی و قومی شیعه قرار گرفت و در طرف دیگر یک عراق جدید که دو گزینه‌ای به ایران اسلامی و دولت شیعه وارده عرضه سیاست و حکومت در خاورمندان می‌شود (دهقان، ۲۰۱۱). مردم عراق نیز در ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ نخستین انتخابات مشروطه، آزاد و عادلانه تاریخ کشور پارسیان را برگزار کردند که در این انتخابات، شیعیان تحت نام ائتلاف یکپارچه عراق موفق شدند با کسب بیش از ۱۴۰ کرسی، هدایت بیشتر ملی انتقالی را به دست بگیرد و دولت ابراهیم جعفری به عنوان دولت انتقالی را تشکیل دهنده. وزیر خارجه وقت ایران به عنوان

1. S. K. Dehghan
نخستین مقام رسمی یک کشور اسلامی با هدف تبریک به دولت و ملت عراق در بهار ۱۳۸۴ به این کشور سفر کرد. در این سفر که مقدمه ارتقای سطح روابط بود، ایران در چهارچوب سیاست حکومتی خود دولت انتقالی عراق را به رسمیت شناخت و در جهت پیشرفت روند سیاسی این کشور به‌ویژه تدوین و تصویب قانون اساسی و ایجاد نهادهای مدنی و آرام کردن اوضاع عراق نقض فعال و مثبت ایفا کرد. ایران همچنین در زمانی که مسئولیت روزافزونی که عرصه را به اشغال گران تنه کرد، بود بر روابط حسنی به عراق تأکید داشت و در جهت کمک به دولت و ملت این کشور گام برداشت. در پاسخ این سفر، هیئت عالی رتبه عراقی به ریاست نخست وزیر دولت انتقالی این کشور در تابستان ۱۳۸۴ به تهران سفر کرد که بازتاب وسیع منطقه‌ای و جهانی داشت. در کشور در این سفر یادداشت تفاهم‌های بسیاری را در زمینه‌های مختلف به امضا رساندند. چیزی که در زمان صدام هیچ‌گاه حق نبوده. حتی در بانیه پایانی مطروحات این سفر، رژیم صدام حسین به عنوان اغازگر جنگ تحمیلی عراق عليه ایران معرفی شد (آیتی، ۱۳۸۵: ۳۴). در ادامه تحولات عراق، با برگزاری دو ماهه انتخابات سراسری در این کشور (آذر ماه ۱۳۸۵)، شهروردان عراقو به‌زیادی گردیدند که وارد مجلس ملی کردند و حزب برتر انتخابات (شعاریان) به همراه دیگر گروه‌های پیروز، دولت دائمی عراق را تشکیل داد. سپری شدن روند موفقیت‌آمیز سیاسی در عراق، تحقق این روند و تشکیل مجلس منتخب و دولت ملی در این کشور باعث شد تا وزیر خارجه ایران در خرداد ۱۳۸۵ با سفر به بغداد تباهیات خویش به دولت و ملت عراق ابراز دارد. این سفر در حالی انجام گرفت که روابط سیاسی منطقه‌ای عراق هنوز به مرحله‌ای جدید و عملی نرسیده بود، اما جمهوری اسلامی ایران به صورت فعال ارتقای سطح روابط خورا به سطح سفیر اعلام کرد (آیتی، ۱۳۸۵: ۳۵). اما نقطه اوج روابط دو کشور پس از سقوط صدام در چهارچوب گفتمان همکاری جویانه، سفر رسمی آقای احمدی نژاد در رأس هیئت عالی رتبه به عراق به دعوت جلال طالبانی، رئیس جمهور وقت این کشور در اسفند ماه ۱۳۸۶ بود. در این سفر، رئیس جمهوری ایران با رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق دیدار و گفت و گو کرد. همچنین، با شخصیت‌های برخی دانشگاهی و شیخ عماری نیز جدایانه دیدار کرد و دو طرف در این دیدار به توافقنامه دست یافتند. در این سفر، مقام‌های عراقی به رئیس جمهوری ایران قول
مساعد داندن که هرچه سریعتر به مسئله حضور گروه‌های مجاهمهن در خاک کشورشان پایان دهد. جلال طالب‌نژاد در دیدگاه با آقای احمد نژاد تأکید کرد: درباره این موضوع پیشتر مذاکره شده بود و بر اساس قانون اساسی عراق، گروه‌های تروریستی حق حضور در این کشور را ندارند. ما به‌نژاد اخراج آنها را از خاک عراق آغاز می‌کنیم. (رادیو فردا، 2021)

چندی از مناسبات سیاسی امروز ایران و عراق، پیوندهای دیرینه فرهنگی و اجتماعی مردمان دو کشور نیز بستر و فضای مناسبی برای یافتن ساختن گفتگوی همکاری جویانه به‌جای گفتگوهای ایران‌های به وجود آورده است. بنابراین، امروزه گفتگوهای ایران‌های مبنای عوامل عملاً کارایی خود را در روابط ایران و عراق از دست داده است. باین تغییرات، به پروژه ایران‌های امروز در عراق امروز با از منظره متغیر ناگفته‌ای اثر گزیندی. این پروژه اردن و کشورها حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی منطقه‌ای شده است. اما هنوز هم سردمداران منطقه‌ای و فرماندهان گفتگوهای ایران‌های منطقه‌ای اساس بسیاری‌های خود را بر مبنای هرسافت‌های ملت‌های منطقه‌ای نسبت به تسلط ایران بر منطقه از طریق نفوذ در عراق قرار داده‌اند.

اکثر حکام عرب منطقه‌ای اصولاً از روند تحرکات سیاسی در عراق خرسند نیستند و بر همین اساس این کشورها عراق را جزء جدایده‌ای از پیکره است عربی می‌دانند که در دوست ایران می‌رود. با چنین تفکری، اعتراضات مراحل اولیه کوچک‌تری و حمایت‌های غربی شیعیان سنکوری، دولت نوری مالکی در عراق را تضعیف کنند. اما در مراحل بعدی با تبیین دولت شیعی در عراق و موفقیت این دولت در مشارکت دادن بهروزهای سیاسی در ساختار قدرت تازیه‌های عربی به این تجربه رسانده که فارغ از آنها از عراق نه تنها موجب تضعیف دولت این کشور نمی‌شود، بلکه خلا ناشی از گزینه آنها از ایران بر خواهد کرد. بنابراین، در مرحله جدید اعتراضات تلاش دارند تا با از سرگیری تعاملات و گسترش روابط خود با عراق، مانع از غلبه‌بندی پیش از اندازه این کشور به دام ایران بنشود (فردا، 2021). از سوی دیگر، این دسته کشورها تلاش دارند تا نفوذ طبیعی ایران در عراق را دخالت جلوه‌دهند و بر این راستا با همکاری جنگی مهندسی در منطقه ارائه را به راه انداخته‌اند. مردم منطقه به‌ویژه عراقي‌ها را از حضور ايرانيان در كشورهای عربستان حمایت می‌نمایند.
با این همه، استقبال عراق از تعامل با جمهوری اسلامی ایران و نیز تحولات انقلابی در کشورهای عربی نشان می‌دهد که در پیش گرفتن سیاست‌های مثبتی بر ایران‌های رسمی از سوی حکام عرب نمی‌تواند از برجام ملافه برای بایگان‌داری مشروطیت از توقف روند زیمنه‌ای عربی باشند. در طی سال‌های گذشته، ملت‌های عرب به آن مرحله از بلوز سیاسی رساندند که بتوانند واقعیت کشورهای خود را آن طور که بوده و است بیست و دوم اعلام کنند. به هر تقدیر، تقابل زیمنه‌ای عرب به‌ویژه در خلیج فارس با ایران همچنان ادامه خواهد یافت: زیرا «تهدید ایران» در شرایط کنونی می‌تواند به‌هنجاره را فراهم آورده تا دولت‌های حاشیه خلیج فارس چند صبحای متعضن درخیل خود را مهار کند (فرداپویش 1391). با وجود این، جمهوری اسلامی ایران باید زیمنه‌های رشد ایران‌های در منطقه را شناسایی و تا حد ممکن در راستای حذف آنها اقدام کند. نجیبانی فرهنگی و سیاسی کشور نیز باید تلاش کند تا علائم به درک چیستی و جدایی ایران‌های در منطقه به نحو رسان و شفاف‌تری سیاست‌های منطقه‌ای کشور را برای نخبگان و عوام سایر کشورهای منطقه‌ای بینی کند تا مرز میان نفوذ طبیعی و دخالت مشخص شود.

در خصوص چراچی حمایت کشورهای عرب منطقه از گفتنی ایران‌های در منطقه گفت که نگرانی جهان عرب از شکل گیری «هلال شیعی» یا «رومپیت شیعی» بر این اساس قرار دارد که در درجه نخست بررسی شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت کشورهای منطقه با ایجاد زمینه‌ای انتلاف بین ایران و عراق، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به ضرر حکم سنی مذهب به هم می‌زنند. در درجه دوم، این انتلاف در درون سرمایه‌های صورت می‌گیرد (یا ایران، عراق، سوریه و لبنان) که در آنها حكومت‌های مختلف نظام سنتی موجود در رأس قدرت قرار دارند و این اتصال استراتژیکی، تعادل قدرت را به هم می‌زند. در درجه سوم، تشکیل و تقویت چنین انتلافی با نوع نگاه متفاوت نسبت به نقش پارسی و حضور قدرت‌های بزرگ، تهدیدی برای حکومت‌های مخالف کار منطقه به حساب می‌آید. این امر به‌ویژه از لحاظ تأثیرگذاری بر اقتصادی شیعی حوزه خلیج فارس حائز اهمیت است (برزگر، 1385: 77).

بی‌تردید استقرار یک نظام شیعی مردم‌سالار با محوریت ایدئولوژیک در عراق می‌تواند مشروعیت نظام‌های بر سر منطقه را با چالش روبه‌رو سازد. به عنوان مثال، اجرای کامل
اصول مندرج در قانون اساسی عراق، تهیه‌ی بالقوه برای کشورهای منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود. بی‌تردید حضور پررنگ ایران در عراق جدید ناشی از منطق طبیعی تحولات پیوست در ساخت قدرت و سیاست عراق پس از سرنگونی رژیم بھتی و آزادی شدن بتناسیل عظیم نیروی گروه‌های مختلف سیاسی شیعی است که در دوران گذشته هیچ نقش قابل توجهی در تصمیم‌گیری عراق نداشته‌اند. به طور طبیعی حضور مؤثر و قابل توجه شیعیان در ساختار سیاسی پیروزی چشم گیر احزاب و گروه‌های شیعی در انتخابات قانون اساسی و پارلمانی و در اختیار گرفتن شغل‌های اجرایی، تلاشی در جهت خروج از یک روند ۴۰ ساله حاکمیت انحصاری بعثی‌ها و خروج از عادات و تعصب‌های است که طی ۸۰ سال گذشته در ساخت قدرت و سیاست عراق ریشه دوانده بود. به عبارت دیگر، تفاوت‌های طبیعی شیعیان عراق در گسترش روابط و آغاز نوع جدیدی از تعاملات سیاسی - فرهنگی و اقتصادی با دوستان طبیعی خود در منطقه از جمله ایران، کاملاً منطقی بوده و بر اساس واقعیت موجود در منطقه و همچنین خواست و تاکیدهای آنها در ایجاد تعادل در نظام و جایگاه خود در عراق جدید قابل ارزیابی است (برزگر، ۱۳۸۵: ۷۷).
نتیجه‌گیری

گفتگو ایران-هرسی در عراق عملاً به زمان استقلال این کشور در 1932 میلادی بازمی‌گردد. اگرچه بیش از آن نیز این موضوع در قلب روابط ایران و عثمانی (به‌ویژه در دوره صفویه) قابل ردپایی است. با وجود این، تمرکز پژوهش حاضر بر موضوع ایران-هرسی در عراق طی سال‌های پس از پروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است. از این منظر، می‌توان به سه موج ایران-هرسی در منطقه خاورمیانه اشاره کرد که موج نخست آن با پروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد. این موج در واقع موج نخست اسلام‌هایی در دنیای مدرن یافته محسوب می‌شود؛ زیرا پس از جنگ‌های صلیبی و نفوذ ارتش عثمانی در اروپا، انقلاب اسلامی ایران نخستین حرکت از سوی جهان اسلام در دنیای جدید بود که منتفی غرب را بین چالش جدی مواجه می‌ساخت. بنابراین در این موج، اسلام‌هایی بیشتر در قلب ایران‌ها و شیعه‌های دنیای غربی و هم‌زمان به همراه کشورهای عرب منطقه جنگال رسانه‌ای و تبلیغاتی شدیدی را برای حکومت جمهوری اسلامی به راه انداختند. به‌ویژه آن‌ها شعار «صدور انقلاب» را از موضع اقدامات عملی تفسیر و این گونه الگا کردن که رهبران انقلابی ایران درصدده بر هم زدن نظم موجود در سطح منطقه و برنداری حکومت‌های پادشاهی موافق غرب و امیریکا هستند.

در این برهه، صدام حسین که ضد این رهبری جهان عرب با در سر می‌پرورد. پرچم‌دار ایران‌ها در منطقه شد و در هر حکایتی از سوی متغیر‌اند عرب علیه حکومت‌های استبدادی منطقه‌ها را به پای جمهوری اسلامی ایران می‌نوشت و این گونه بود که پای خشونت در ایران، در میان دولت‌مردان کشورهای همسایه که بدون استناد به صورت استبدادی اداره می‌شدند طنین‌انداز شد. درنیای نیز صدام با تحکیم و پشتیبانی عربستان سعودی و دیگر پادشاهان عرب منطقه، علم مبارزه با انقلاب نویای اسلامی را در دست گرفت و به نیابت از کشورهای غربی و عرب منطقه، جنگی هشته‌ریا را به ایران اسلامی تحمیل کرد. در موج دوم اسلام‌های اما ایران-هرسی و شیعه‌های کمتر مالی برای عرضه یبدا کرد؛ زیرا این موج اساساً در پی اتهام و اشکالی به قاعدته مبنی بر دخالت در حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست و بیشتر، شاخه‌های سنی دین اسلام به‌ویژه سلفیون و وهابیون را دربرگرفت. بنابراین، کشورهای سنی نشین عرب منطقه سیاست بخش از ایران در معرض حملات اسلام‌های غربی‌ها قرار داشتند. حکومت سنی مذهب بعث عراق نیز
در آن زمان در موضع ضعف شدید قرار داشت و چنین بعد نیز خود قربانی گنج‌طلبی حامیان پیشین خود شد. با این موضوع، در موج دوم اسلام‌های، ایران‌هایی جای خود را به سوی‌های و عربی‌های دادند. این تفاوت به چهارمی اسلامی ایران که خود پیشتر قربانی ایران‌های و شیعه‌های ترکی سنی مذهبان و اعراب قرار گرفتند به نمایه‌ها این موج نبوده است. بلکه با حمله امریکا به افغانستان تحت سلطه طالبان و عراق تحت سلطه صدام نیز مخالفت ورزیده و هیچ‌گاه نخواسته که از موقعیتی به وجود آمده علیه سنی مذهبان و یا اعراب منطقه استفاده کند. درنهایت اینکه طی این موج، اعراب منطقه چون در موضع ضعف بودند و خود در معرض حملات اسلام‌های و سنی‌های قرار داشتند، ممکن است برای دامن زدن به بحث ایران‌های و شیعه‌های نداشته و عراق نیز از این حيث مستثنی نبود.

در پی شکست طرح خاورمیانه برگ امریکا و متحدان منطقه‌ای آن و نیز در دست گرفتن حکومت عراق از سوی شیعیان این کشور، شاهد شکل گیری موج سوم ایران‌های در منطقه هستیم که همچون فوج نخست با همکاری غربی‌ها و برخی کشورهای عرب منطقه در حال توکین است. با این تفاوت که این بار، به‌جز عراق زمان صدام حسین، کشورهای همچون عربستان سعودی، قطر و اردن پرچم‌دار ایران‌های در منطقه شدند. با وجود این، هنوز هم عراق نقطه محوری اصلی ایران‌های محصوری می‌شود و دولت مردان سنی مذهب منطقه نفوذ طبیعی ایران در میان شیعیان عراق را دستمایه بحث ایران‌های و شیعه‌های کردستان آن قاچاق‌القاتی. آن‌ها قاچاق‌القاتی که جمهوری اسلامی ایران در دنبال پیاده کردن الگوی حزب‌الله در عراق، لبنانیز کردن عراق و ایجاد هلال شیعیان در منطقه است. آنان با این بودنکه که ایران به دلیل داشتن پایگاه مردمی در عراق و ارتباط دوستانه و دیرینه‌ای که با حاکمیت‌های اموروی عراق دارد، با کمترین هزینه بیشترین منافع را در عراق به دست می‌آورد. بنگاه‌های خرید و دستگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب نیز هم صدا با حاکمیت عرب منطقه این گونه به جهانیان الاقتافی‌کنند که ایران درصد دارد سلطه بر عراق و تشکیل حکومت شیعی در آن به روش و گسترش تشکیلات شیعی به لبنان، بحرین و حتی یمن است. اما می‌توان گفت که در واقع هدف آنها ایران‌هایی است که اسلام‌ها و شیعه‌ها و هنگام ملتها منطقه‌ای از ایران نشون‌رسند بلکه این نظام سلطه است که از اسلام و از ایران و از انسجام و وحدت مسلمانان می‌رسد. رسانه‌های غربی تلاش دارند تا از طریق رسانه‌های عربی به‌جا بگردد تمرکز روی تجاوزات رژیم
سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳
ضروری است تا نگرانی‌های مورد همسایگان از قدرت‌های ایران و بالعکس هزینه‌های این روند برای کشور به حداقل ممکن کاهش یابد تا همسایگان ما، حوزه‌های گسترده‌ای از فرصت‌ها را در قبال قدرت‌های بیشتر کشور مان احساس کنند و نه اینکه از این بابت احساس تهدید کنند (شريعتي نيا 1389: 136-404). بنابراین، مسئولان جمهوری اسلامی ایران باید بیشتر تلاش خود در راستای تضعیف گفتگوی ایران-هراسی را متوجه تنزیل‌ها باید همسایگان و بهبود روابط حسن‌ها با آنها کنند تا گفتگو ایران-هراسی در سطح منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش کم‌رنگ شود.

بطور مشخص، جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مثل‌زندی دال‌های گفتگو ایران-هراسی در روابط خود با عراق باپید گام‌های عملی جدی تری را اتخاذ کند که از جمله مهم‌ترین آنها افزایش مناسبات و مراودات با تمام گروه‌های قومی و مذهبی این کشور است. در این راستا، استفاده دیپلماسی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور باید بر تنها عملیاتی مشخصی را برای گفتگوی مناسبات با گروه‌های سنی مذهب و اکراد عراق طرح بزی و اجرا کند. در این راستا، می‌توان از ظرفیت‌های موجود در کشور همچون وجود پیوندهای قومی، قبیله‌ای و مذهبی شهروندان دو سوی مرزها بهره برد و بدين طریق بخش قابل توجهی از تبلیغات منفی گروه‌های مغرض و دشمنان منطقه‌ای و فرانستانهای علیه جمهوری اسلامی ایران را خشک کرد. برای این منظور، باید در نظر داشت که حضور صرف اقتصادی در این مناطق، بدون در نظر داشتن اهداف سیاسی و فرهنگی، برای تضعیف گفتگو ایران-هراسی و شیعه‌هراسی چندان مؤثر نخواهد بود.
کتابنامه

آیین، علی رضا (1385). «عصر طلایی، دولت ملی عراق و تأثیرات آن بر روابط ایران، پیشینه‌های پیش‌رو»، ش 3، خرداد، ص 34.

بخشایشی اردستانی، احمد (1388). «تحلیل کشف‌نامه در بازانده‌ی اجتماعی»، مجله سیاست، ش 9، بهار.

بزرگر، کیهان (1385). «آیین، عراق و نظام امتیز و نظام امتیز»، مجله سیاست، راهبرد، ش 43، بهار، ص 59-75.


پارسادوست، منوچهر (1376). زمین‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار.

تاجیک، محمدرضا (1383). کشف‌نامه، باکتریستان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات و تدوین علوم انسانی.

تلانیان، حسن (1379). «روابط و تاریخی شبیه در عراق»، فصلنامه شبیه‌شناسی، س 8، ش 31، پاییز، ص 139-148.

جعفری ولی‌دینی، اصغر (1376). بررسی تاریخی اختلاف مرزی ایران و عراق، مجله سیاست خارجی، س 1، ش 4، مهر و آذر، ص 155-170.


حاتمی، محمدرضا (1392). «تحولات تاریخی»، بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روا ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س 3، ش 3، پاییز، ص 25-31.

حسینی زاده، محمدعلی (1383). «نظریه‌ها و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علم سیاسی، ش 28، ص 181-212.


حقوقی، صادق (1375). روش‌شناسی علم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.

خرزی، صادق (1390). «وازنگی متقابل فرهنگی ایران و عراق»، ماهنامه اخبار شبیه، س 7، ش 7، خرداد، ص 22.


دهنوی، نظام‌علی (1383-1384). «روابط سیاسی ایران و عراق در عصر حکم‌یاری عباس‌الکرمی قاسم»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش 19، تابستان، ص 41-172.

راديودری (۱۳۸۶)، احمدی نژاد: سفر به عراق فصلی جدید در روابط دولتی است، قابل . http://www.radiofaradom/content/f4_New_chapter_visit_Iraq/437322.html

درس در: سراج، رضا (۱۳۸۷)، ای به یاد یک جنگ روانی امریکا علیه ایران، کیهان، ۲۲ دی، ش ۴۲۳، ص ۴.

سلطنی، علی صغری (۱۳۹۳)، جنگ و زبان، تهران: نیت.

شیری‌نیا، محمد (۱۳۸۹)، ایران‌هراسی؛ دلایل و پیامدها، فصلنامهٔ علمی‌های روابط خارجی، س ۴، ش ۶، تابستان، ص ۱۹۱-۲۰۰.

عمری، کلمنی، جامد و نفیس‌سادات قادری (۱۳۹۱)، نگاهی به اسلام‌هراسی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جوان/سلام، س ۴، ش ۳، تابستان، ص ۱۲۹-۱۶۲، ص ۱۵۳.

عسگری، ایوب‌محمد و مجید بابایی (۱۳۹۱)، ایمنی هستی‌شناختی و مسائل امکانی خلیج فارس بعد از اتفاقات اسلامی ایران: فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جوان، تابستان، ص ۱۵۴، ص ۲۱۸-۲۴۷.

فراژایر (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱)، ریشه‌های ایران‌هراسی اعراب، قابل دسترس در: http://www.fordanews.com/fa/mobile/200699.

کسراوی، محمد‌سالار و علی‌پورز شیرازی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتگوی اکلا و موفقیت اکرمدار» در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، پاییز، ص ۳۳۹-۳۶۳.

کسراوی، محمد‌سالار و علی‌پورز شیرازی (۱۳۹۰)، زمینه‌الگونه جنبش دانشجویی پس از پروزی اتفاقات اسلامی با استفاده از نظریه گفتگوی اکلا و موفقیت (۱۳۷۶-۱۳۸۵)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۳، پاییز، ص ۲۷۲-۳۰۴.

محمدی، مصطفی و قربانعلی محبی (۱۳۹۴)، تحلیل گفتگوی جنبش دانشجویی ایران از نگاه تا پروزی اتفاقات اسلامی با تأکید بر فصلنامه امام خمیسی(ره)، مطالعات معرفی در دانشگاه اسلامی، ش ۵۱، تابستان، ص ۲۱۵-۲۳۵.

مدرسی، مرتضی (۱۳۵۱)، تاریخ روابط ایران و عراق (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی)، تهران: فروغی.

معروفی، پیروز (۱۳۹۴)، ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه نشان‌دهنده نفوذ و قدرت اسلامی، تابستان، ص ۱۰، ش ۳۳، تابستان، ص ۲۱۹-۲۸۹.

نورمحمدی، مرتضی و حجت کاظمی (۱۳۹۴)، «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی» فرهنگی در کشورهای خوزه خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۶، ش ۱۲، بهار، ص ۱۱۳-۱۱۶.

هوشنگ مهدوی، علی‌پورز (۱۳۸۰)، سیاست خارجی ایران در دوره بهلولی، تهران: پیکان.

یورگنس، ماریان و لورانس فیلیبس (۱۳۹۳)، نظریه و روش در تحلیل کتیبه‌ای، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نیت.

June 2015.


